

آینة

کیسان

برباد دادن ۱۸ میلیارد دلار، سوء‌مدیریت یا خیانت درامانت؟!

● نکته مهم و قابل تامل در ماجرای برباد دادن ۱۸ میلیارد دلار از دولتی آنجاست که برخی رسانه‌های وابسته و حامی دولت سعی دارند ماجرا را در حد سوء مدیریت تقلیل دهند. یکی از این رسانه‌ها حتی با را از این نیز فراتر گذاشته و دادگاه رسیدگی‌کننده به این پرونده سنگین را تسویه‌حساب قوه قضائیه با دولت خوانده است! روزنامه دولت نیز چند روز پیش در گزارشی اساس تشکیل این دادگاه را زیر سوال برده و آن را دارای ابهام دانست و مدعی شد: «مدیران بانک مرکزی سیاست‌های مضروب را اجرایی کرده‌اند و توزیع ارز توسط بانک مرکزی برای تنظیم بازار سیاسی رایج در طول دهه‌های گذشته بوده و عملی غیرقانونی نبوده است. مضاف بر اینکه ورود بانک مرکزی و توزیع ارزی در نهایت منجر به کاهش روند صعودی نرخ ارز در کشور شده است.»۱! این روزنامه در مطلبی با تطهیر کسانی که در این پرونده دخیل هستند مدعی است برخورد قضائی با چنین مسائلی باعث می‌شود جرات ریسک از مدیران در شرایط حساس گرفته شود! مشخص نیست این چگونه ریسکی است که ۱۸ میلیارد دلار از خزانه مملکت را به باد می‌دهد و قیمت دلار را تا نزدیک ۲۰ هزار تومان می‌رساند و تورم را چند برابر می‌کند و هنوز هم باید از آن دفاع کرد! آیا همان‌گونه که در این‌مطالب آمده متهمان صرفا مجری اوامر بوده‌اند و سرنخ به کسان دیگری می‌رسد که این‌گونه از بزرگاری این دادگاه به هراس افتاده‌اند؟

حملات گازانبری

حمله به دولت و شخص رئیس‌جمهوری اتفاق جدیدی نیست و از فسرط تکرار به امری عادی تبدیل شده است... اولین ویژگی آنها، استفاده از رسانه‌هایی است که عموما از بوجه عمومی و بیت‌المال ارتزاق می‌کنند، رسانه‌هایی که از این بوجه استفاده می‌کنند به طور طبیعی باید در ذیل چارچوب منافع ملی و فراجتاحی رفتار کنند. ورود آنان به رقابت‌های حزبی و جناحی به طوری که هزینه آنان از جیب مردم داده شود، خیانت به اموال عمومی محسوب می‌شود. جالب اینکه آنان فریاد مبارزه با فساد را هم سر می‌دهند، در حالی که رفتار خودشان یکی از مظاهر سوء استفاده و رانت است که بدترین نوع رانت‌ها را می‌توان رانت رسانه‌ای دانست. ویژگی دیگر این حملات، حمایت از یک جناح و باند محدود است... اگر یک نفر از قراز سیاست به صحنه رقابت یا مبارزه سیاسی در ایران نگاه کند، بسیار متعجب خواهد شد که چگونه ممکن است که جامعه‌ای چنین درگیر مشکلات و تنش‌های خارجی و اقتصادی باشد و در عین حال عده‌ای بی‌توجه به آنها، عزم خود را جزم کرده‌اند تا منافع کوتاه‌مدت خویش را به هر قیمتی که هست حتی به قیمت از میان‌بردن وحدت سیاسی، تأمین کنند؟ به نظر می‌رسد که ناف عده‌ای را در سیاست با مفهوم حمله گازانبری بریده‌اند و هیچ منطق و درکی جز حملات گازانبری ندارند و گمان می‌کنند که هر چیزی را که نمی‌پسندند، باید با حملات گازانبری قلع و قمع کنند.

انتقاد

معنای ظریف تحریم ظریف

عباس عبیدی؛ وضعیت سیاسی ایران به گونه‌ای است که هر موضوع کوچک یا بزرگی ظرفیت آن را دارد که به سرعت تبدیل به یک تنش سیاسی شود و طرفین ماجرا، آن موضوع را مستمسک حمله به یکدیگر قرار دهند. نمونه آن تحریم آقای ظریف از سوی کاخ سفید است. در پی این تحریم، یک سوی ماجرا ظریف را برجسته کرد و به جایگاه قهرمانی رساند و سوی دیگر نیز لبه نیز حملات خود را به عوامل پیگیر برجام از جمله شخص آقای ظریف نشانه رفت. آقای ظریف هم در یک اظهارنظر عجیب اعلام کرد که اگر به عقب برگردد باز هم برجام را امضا می‌کند در حالی که واضح است که برجام به دلایلی به نقطه نامناسب و منفی رسیده است و باید نتیجه گرفت که ایشان با علم به این نتیجه آن را امضا کرده است و باید همه اینها را به مقامات مافوق خود می‌گفت هر چند نگفتن او نیز، رافع مسؤولیت هیچ مقامی نیست. در این یادداشت به رفتار مخالفان برجام که حملات تندى را نیز متوجه ظریف کردند، نمى‌پردازم چون در اساس با آنان موافقت ندارم. ولی معتقدم که باید نقدی جدی را متوجه دوستان موافق برجام کرد. البته ابتدا توضیح دهم که شخصا طرفدار مذاکره سیاسی هستم و آن را بر شیوه‌های دیگر ترجیح می‌دهم. در این مورد خاص هم بنا به ملاحظات ملی باید کاخ سفید را محکوم و باید از آقای ظریف دفاع کامل کرد ولی در عین حال باید درک دقیقی از مفهوم و الزامات مذاکره سیاسی داشته باشیم.

ایسنا؛ رئیس‌جمهوری روز گذشته در جلسه هیئت دولت با بیان اینکه تمام شعارهایی که درباره ائتلاف جدید در منطقه خلیج فارس و دریای عمان داده می‌شود، ظاهری و غیرعملی است، عنوان کرد: «بی‌تردید هر مقدار از این شعارها هم عملی شود، کمکی به امنیت منطقه نخواهد کرد». حسن روحانی خطاب به کشورهای ساحلی خلیج فارس گفت: «جمهوری اسلامی ایران در کنار کشورهای ساحلی این خلیج تاریخی آماده است امنیت منطقه را حفظ کند، همان‌طور که در طول تاریخ این کار را انجام داده است.»او با تأکید بر اینکه برای امنیت و ثبات در خلیج فارس نیازی به نیروهای خارجی وجود ندارد، افزود: «کشورهای منطقه با وحدت، انسجام و گفت‌وگو می‌توانند امنیت خود را حفظ کنند و بدون تردید ادعاها و اقدامات آمریکا هیچ سودی برای آنها ندارد. کشورهای منطقه در طول تاریخ همسایه و برادر بوده و خواهند بود و تفرقه و جدایی به نفع دشمنان است». رئیس‌جمهور طرح ادعاهایی را که رژیم صهیونیستی می‌خواهد در امنیت منطقه حضور داشته باشد، سخنان پوچ توصیف کرد و عنوان کرد: «برای حل یک معضل منطقه‌ای و بین‌المللی باید همه ارگان قدرت دست‌به‌دست هم دهند و یک قدرت به‌تثایی نمی‌تواند مسئله را به پایان برساند، بنابراین باید قدرت سیاسی، امنیتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در کنار هم قرار بگیرد». او گفت: «آمریکایی‌ها در روزهای اخیر به عظمت بخش دیگری از برجام پی برده و تازه فهمیدند که با ادامه برجام سال آینده همه تحریم‌های تسلیحاتی برداشته می‌شود و ظاهرا براساس زمان سنجی

سیاست

رئیس‌جمهور: به تعهد در برابر تعهد پایبندیم



که در اتاق خود گذاشته‌اند، متوجه این موضوع شده‌اند که سه سال بعد از آن هم تمام تحریم‌ها لغو می‌شود. این موضوع نشان‌دهنده آن است که وقتی در این موضوع همه با هم تصمیم گرفتیم و پیش‌رفتیم موفقیت‌های خوبی به دست آوردیم که هر روز دشمنان به ابعادی از آن آگاهی پیدا می‌کنند.»

نباید از تعامل و مذاکره فرار کنیم

رئیس‌جمهوری با بیان اینکه یک سال صبر راهبردی پیش‌گرفتیم و چون به نتیجه مطلوب نرسیدیم، ایجاد توازن در تعهدات برجامی را در دستور کار قرار دادیم، عنوان کرد: «برای اینکه تعهدات متوازن باشد، کاهش تعهدات خود

زندان برای مردی که همه را محکوم می‌کند همه شاکیان حسن عباسی

خود را «کیسینجر اسلام» خوانده است. از او بسیار شکایت شده اما بابت هیچ‌کدام پایش به محبس نرسیده، نهایتاً دو، سه روز بازداشت موقت بوده و آزاد شده است. ۱۶ خرداد ۱۳۸۸ در پی سخترانی در پردیس دانشکده‌های فنی دانشگاه تهران و مصاحبه با روزنامه وطن امروز در تاریخ سوم خرداد ۱۳۸۸ با عنوان «چرا می‌خواهند احمدی نژاد نباشد؟» و سخنرانی در تالار سیدالشهدای تهران به مرحله اجرا «مهندسی افکار عمومی» به شکایت دفتر مرحوم هاشمی‌رفسنجانی و حسن روحانی بازداشت شد که بعدها در دادگاه، رفع اتهام و تبرئه شد. علی شمخانی درباره او گفته است: «اگر حسن عباسی و عباسی‌های دیگر به جبهه می‌آمدند و ما کمبود نیرو نداشتیم، مسئله فرق می‌کرد. ایشان در جبهه حضور نداشتند». گرچه بعداً عباسی این ادعا را رد کرده و چند عکس او با لباس نظامی هم منتشر شد. مرداد ۱۳۹۵ سخنرانی‌ای از عباسی منتشر شد که در آن گفته بود ارتش بی‌سروصدا فقط در یادگان‌ها حضور دارد؛ آمریکا چنین نیروی را می‌خواهد. احمدرضا پوردشمن، فرمانده سابق نیروی زمینی ارتش، با انتقاد شدید از سخنان حسن عباسی گفته بود: «از طریق مدیریت حقوقی نیروی زمینی ارتش، علیه عباسی طرح دعوا شده است، وی بدون شناخت و آگاهی اقدام به بیان سخنانی نسنجیده کرد و باید هرچه‌زودتر از مجموعه ارتش جمهوری اسلامی ایران و عموم ملت ایران

مدیر کل حقوقی وزارت اطلاعات

حسن عباسی دوره حبس قطعی خود را می‌گذراند

مدیرکل حقوقی وزارت اطلاعات گفت: متعاقب تعریضات و انتساب موارد خلاف واقع متعدد و مکرر توسط آقای عباسی به وزارت اطلاعات و سربازان گمنام این مرکز عظیم مبارزه و جهاد _بوجود خویشن‌داری این وزارتخانه و کارکنان خدم آن در بسیاری از موارد با ابتناء به حفظ مصالح امنیت ملی_ وزارت اطلاعات با استناد به یکی از تعریضات ایشان که او در سخنرانی مدعی شده بود نیت وزارت اطلاعات ایجاد تغییر و تحول در نظام بوده و همچنین مدعی شده بود وزارتخانه متیوع با کانال ضد نظام در ارتباط است و... این وزارتخانه نسبت به طرح شکایت نزد مرجع قضائی اقدام کرد و پس از طی تشریفات رسیدگی بر اساس موازین قانونی، نهایت‌رای محکومیت او در مرحله بدوی رسیدگی توسط شعبه محترم رسیدگی‌کننده صادر و رای مزبور با توجه به تجدیدنظرخواهی مشارالیه در مرحله تجدیدنظر نیز مجدداً رسیدگی و محکومیت ایشان با حکم شعبه تجدیدنظر رسیدگی‌کننده قطعی شده و قاعداً حبس ایشان در راستای شکایت وزارت اطلاعات و اجرای حکم قطعی صادره از مقام محترم صالح قضائی، توسط مراجع ذی‌صلاح انجام شده است.

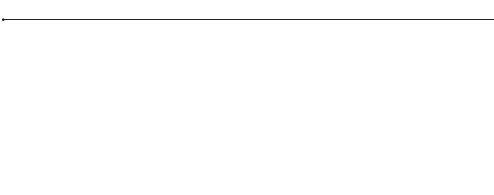
تاجزاده مطرح کرد

انتخابات مقدس نیست؛ اما بی‌بدیل است



اصلاح‌طلب هستیم». تاجزاده گفت: «بتازگی مقاله‌ای به دستم رسید که نظام مردم‌سالار را با ترسیم هرمی در چهار وجه معرفی می‌کرد. حکومت محدود پاسخ‌گو، جامعه مدنی گسترده و اثرگذار، تأمین حقوق اساسی مردم و انتخابات آزاد و منصفانه چهار وجهی است که برای حکومت مردم‌سالار ترسیم کرده است». او ادامه داد: «اگر حکومتی یک یا چند وجه از این موارد را نداشته باشد، به همان میزان از مردم‌سالاری فاصله و به سمت یکه‌سالاری یا اندک‌سالاری می‌رود». معاون پیشین سیاسی وزیر کشور با بیان اینکه بر پایه چهار وجه مردم‌سالاری، دوگانه انتخابات نمایشی و نشانه‌ای و نسبت بین انتخابات و جنبش‌ها، باید به بررسی و آسیب‌شناسی شرایط سیاسی کشور پردازیم، خاطرنشان کرد: «انتخابات به‌هیچ‌وجه امری مقدس نیست؛ ولی بدیل‌ناپذیر است». او ادامه داد: «حتی اگر بحث شرکت‌نکردن در انتخابات مطرح شود، بدیل و جایگزینی برای انتخابات وجود ندارد. راه نجات کشور انتخابات آزاد و عادلانه است؛ انتخاباتی که

را آغاز کردیم، ضمن اینکه در کنار آن مذاکرات را هم ادامه می‌دهیم. همواره معتقد بوده و هستیم که هیچ‌وقت نباید از تعامل و مذاکره فرار کنیم. البته باید محیط آن مساعد باشد و طرف مقابل به مذاکره و حل و فصل مسائل معتقد باشد. در این صورت اگر همه شرایط مناسب بود، همیشه دنبال تعامل با دنیا و مذاکره با طرف مقابل برای اهداف خود هستیم». روحانی هدف اصلی مذاکره، تعامل، تقابل و فراز و نشیب‌هایی را که در روند گفت‌وگو وجود دارد، حفظ و تقویت منافع ملی و مصالح کشور توصیف کرد و گفت: «ایستادگی، مقاومت، مذاکره، اخم و لیخند همه ابزاری است برای اینکه ما را به هدف نهایی برساند. بنابراین از کاهش تحریم‌ها به دنبال هدف بزرگتری هستیم که البته برخی نسبت به این موضوع برداشت اشتباهی داشته و تصور می‌کنند از تعامل به نتیجه نرسیده و راه جدیدی انتخاب کرده‌ایم درحالی‌که همیشه به دنبال تعامل بوده و هستیم و به همین دلیل است که از برجام خارج نشده و کاهش تعهدات را به صورت مرحله‌ای برنامه‌ریزی کردیم». او با تأکید بر اینکه جمهوری اسلامی ایران در عرصه سیاست خارجی فعال است، افزود: «با کشورهای همسایه و سایر کشورهای جهان در راستای تقویت بیش از پیش روابط در حال گفت‌وگو و مذاکره هستیم و در جریان روند کاهش تعهدات نیز مذاکرات را ادامه می‌دهیم ولی اگر در پایان ۶۰ روز دوم به نتیجه نرسیدیم، حتماً مرحله سوم را آغاز خواهیم کرد و بعد از آن باز هم ۶۰ روز فرصت خواهیم داد تا به راه‌حل منطقی، درست و متوازن برسیم و به تعهد در برابر تعهد پایبند هستیم».



عذرخواهی کند، در غیر این صورت موضوع به‌طور جدی‌تر پیگیری می‌شود و منتظر واکنش مراجع قضائی در این ارتباط خواهیم بود». عباسی بعد از این شکایت به‌دلیل ممانعت از تودیع وثیقه بازداشت و سه روز بعد آزاد شد. آخرین‌بار بابت شکایت معاونت حقوقی دولت در سال۹۷، هفت ماه حبس گرفت اما حامیانش آن‌قدر سروصدا کردند که این حکم هیچ‌وقت به مرحله اجرا درنیامد. خودش و حامیانش البته مدعی بودند شاکي او شخص رئیس‌جمهوری است، اما معاون هماهنگی و برنامه‌ریزی امور حقوقی دستگاه‌های اجرائی معاونت حقوقی رئیس‌جمهور گفته بود در سال ۱۳۹۵ به‌دلیل توهین‌های مکرری که ایشان مطرح می‌کرد، تحت شدید طرح شکایت کنیم که این‌موضوع تجرت دو عنوان «نشر اکاذیب» و «توهین به مسئولین» صورت گرفت. این پرونده در جریان رسیدگی قرار داشت و شکایتی از وزیر راه و شهرسازی هم به این مجموعه اضافه شد و بعد از تحقیقات مفصلی که در دادسرا انجام شد، در نهایت درخواست موضوع «توهین» با کثیرخواست به دادگاه کیفری ارجاع شد. باز هم ما در این فاصله سعی کردیم ببینیم که اگر ایشان در صحبت‌های بعدی این رفتار را خاتمه می‌دهد و توهین نمی‌کند، پرونده را پیگیری نکنیم، اما متأسفانه ادامه این روند ما را ناگزیر به پیگیری این موضوع کرد.معاون هماهنگی و برنامه‌ریزی امور حقوقی دستگاه‌های اجرائی معاونت حقوقی رئیس‌جمهوری در ادامه گفته بود: «حسن عباسی در دادگاه بدوی در ارتباط با «توهین»‌های مکرر محکومیت پیدا کرد اما درخصوص «نشر اکاذیب» دادگاه بدوی برای ایشان حکم برائت صادر کرد که با تجدیدنظرخواهی‌اش از آنجا که پرونده به دادگاه تجدیدنظر رفت و بعد از رسیدگی‌های مفصل در نهایت دادگاه به پنج فقره حبس هفت‌ماهه محکوم کرد». او گفته بود: «رای محکومیت از سوی شعبه ۶۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران در مهرماه سال ۹۷ صادر و چون در مقام تجدیدنظر از رای بدوی صادر شده، رای قطعی و لازم‌الاجراست که ظرف چند روز آینده اجرا خواهد شد». البته هیچ‌وقت مشخص نشد که این حکم چرا اجرا نشد.

قانون اساسی مکانیسم آن را مشخص کرده است.» تاجزاده با اشاره مجدد به چهار هدف و وجه مردم‌سالاری، یادآور شد: «سوآلی پیش می‌آید که چرا باید انرژی خود را صرف یک وجه یعنی انتخابات کنیم؟ چرا وقت‌مان را برای تقویت نهادهای مدنی، دفاع از حقوق شهروندی و پاسخ‌گوکردن حکومت صرف نکنیم؟». او خاطرنشان کرد: «طرح این سوآلات ظاهر قضیه است و راهبردی است که باید مورد توجه قرار گیرد». او گفت: «ان‌جی‌اوها و نهادهای مدنی ایادی دشمن نیستند؛ بلکه نهادهایی هستند که در شرایط عادی و بحرانی کمک‌حال مردم و حکومت هستند. ثمن‌ها، انجمن‌ها، اتحادیه‌ها و تشکله‌ها می‌توانند بیشترین کمک را به حکومت بکنند». تاجزاده ادامه داد: «در کدام دوره نهادهای مدنی و صنفی قوی‌تر بودند؟ جواب روشن است، با وجود همه موانع و فرازونشیب‌ها بعد دوم خرداد شرایط مردم‌سالارانه‌تر شد، بهار احزاب، راهار مطبوعات، تشکیل شوراها، آگاه‌ترشدن مردم از حقوق خود خیلی اولین‌ها بعد از انقلاب در دوره بعد از دوم خرداد تاکنون اتفاق افتاده است.»معاون وزیر کشور در دوره اصلاحات با ذکر این نکته که منکر کاستی‌ها در دوره بعد از دوم خرداد ۷۶ نیستم، خاطرنشان کرد: «تفاوت آن مانند دهه اول با دهه‌های دوم و سوم است. از دهه ۶۰ تاکنون درمجموع نتوانسته‌ایم حقوق مخالف را به طور کامل به رسمیت بشناسیم و حتی منتقدان را هم‌ردیف مخالف می‌بینیم. این فعال سیاسی اصلاح‌طلب خاطرنشان کرد: «به‌همین‌دلیل در طول مشروطه ه‌رگاه فضا مقداری باز می‌شد، اولین مطالبه و شعار پیشینیان ما، آزادی انتخابات و زندانیان سیاسی و بعد از آن دیگر خواسته‌های مشروع و مدنی بود». تاجزاده انتخابات را عامل قوی‌شدن طرف ضعیف دانست و گفت: در این حالت خواست عمومی به نیرویی تبدیل می‌شود که حکومت‌ها مجبور می‌شوند آن را به رسمیت بشناسند.

روزنه

فرصت طلبان بی‌تدبیر



پژوهشگر سیاسی

● صحبت‌های شهردار ارومیه در جلسه رسمی شورای این شهر، بازه‌های شد تا بار دیگر زخم کهنه زبان فارسی باز شود، زبانی که مهم‌ترین عنصر یکپارچگی هویت ایرانی در گذر تاریخ بوده است. هویت‌های قومی که یکی از هویت‌های اجتماعی است، در سال‌های اخیر تقابل را میان هویت ملی و هویت‌های اجتماعی بیش‌ازپیش کرده است، سیاست‌هایی که در سال‌های دور به‌وسیله دشمنان هویت ایرانی به‌صورت غیرقانونی دنبال می‌شد، اکنون توسط برخی داخلی‌ها با ابزارهای قانونی و غیرقانونی و با اهداف فرصت‌طلبانه‌ای ادامه پیدا کرده است.

در سال‌های اخیر گویش‌های محلی یکی از ابزارهایی است که مورد توجه دولت‌مردان قرار گرفته است. بعضی از سوداگران قدرت و فرصت‌طلبان به‌دلیل درک سطحی از جامعه ایران و گاه غرض‌ورزی، بر این باورند که در مناطق پیرامونی منابعی وجود دارد که به‌عنوان زمینه‌گردآوری رای می‌شود از آن استفاده کرد و به امتیازهایی دست یافت. انگیزه اصلی این سیاست‌مداران بی‌تدبیر، کسب قدرت و استفاده ابزاری از پدیده قوم‌گرایی و گویش‌های محلی بوده است. آنها برای رسیدن به منافع شخصی، از شعارهایی مانند زبان‌های محلی استفاده می‌کنند که پیامدهایی ناگوار برای اتحاد ملت ایران خواهد داشت.

هرچند تجربه سال‌های گذشته نشان داده است کسانی که مسائل قومی را ابزاری برای رسیدن به قدرت قرار داده‌اند، نتیجه قابل قبولی نه برای منافع شخصی و نه منافع ملی کسب نکرده‌اند. نامزدهایی که بیشترین تبلیغات قومی را داشتند، همیشه کمترین رای را آوردند. در سال‌های ۹۲ و ۹۶ برخی کاندیداها روی مسائل مذهبی شیعه و سنی برای جذب اهل سنت ایران تمرکز کردند و نتایج خوبی به دست نیاوردند. آنها به گمان اینکه این عرصه سرشار از منابع رای است، به سیاستی ابزاری که جنبه فرصت‌طلبانه، غیراخلاقی و غیرملی داشت، روی آوردند و شکست خوردند. بازی سیاسی با زبان فارسی که هسته سخت هویت ایران است و موجب یکپارچه‌سازی کشور و جلوگیری از افتراق در جامعه شده است، می‌تواند خسارت‌های جبران‌ناپذیری بر فرهنگ، هویت، و منافع واقعی ملی وارد کند. هویت نیک مقوله اجتماعی، فرهنگی یا سیاسی نیست، بلکه اساس و بنیان امنیت ملی است. به‌طوری‌که تمامی برنامه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کشور حتی اگر به‌درستی هم تدوین شود، بدون وجود «هویت ملی» دچار چالش می‌شود و ناکام می‌ماند. این روند نزد سیاست‌گذاران در سال‌های اخیر با شیب تندی‌تری تداوم داشته است. در این میان برخی دستگاه‌ها به‌جای درپیش‌گرفتن نگرش اصلاحی، دیدگاه‌هایی را در پیش گرفته‌اند که پیامدهای آن نفی ملیت در ایران و اتان‌دادن به هویت‌های اجتماعی قومی و ... به‌جای هویت ملی است. اقدامات مختلفی از قبیل گزینش ایدئولوژیک کارگزاران و کارمندان عمومی، بازخوانی تاریخ برحسب علایق، در سال‌های گذشته کوششی است در راه یکسان‌سازی هویت اجتماعی سراسری در قالب ایدئولوژی و انکار تنوعات هویتی موجود.

نتیجه چنین نگرشی، چیزی جز درهم‌ریختگی، بی‌ثباتی و واردآمدن هزینه‌های سنگین برای ما به‌عنوان یک موجودیت سیاسی و گسترش کشمکش اجتماعی میان اقشار و مناطق گوناگون کشور نیست. این درهم‌شکستگی و پیامدهای منفی ناشی از کسست‌های هویتی و راه‌حل‌های تخریبی، در واقع از این واقعیت مهم ناشی می‌شود که جامعه به‌عنوان یک کل و جریان مستمر برخوردار از گذشته، حال و آینده، نمی‌تواند به‌طور ناگهانی گذشته و اکنون خود را کاملاً دور نهد و طرح کاملاً نوینی را که اجتماع با آن چندان مانوس نیست، به‌عنوان طرح هویتی و راهنمای عمل و سیاست‌گذاری‌های خرد و کلان دراندازد.

در اینکه زبان‌ها و گویش‌های محلی همه ارزشمند و بخشی از منابع و هویت ملی ما هستند و باید از آنها پاسداری کرد، جای هیچ شک و بحثی نیست، اما نه به شیوه‌ای که برای کشور بحران‌آفرین شود و زبان ملی را تضعیف کند. باید در عین نگهداری از زبان‌ها و لهجه‌های محلی ایران در چارچوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی، از نگاه تقابلی و حذفی بین هویت‌های اجتماعی و مذهبی با هویت ملی و زبان فارسی جلوگیری کرد تا یکپارچگی ملی تقویت شود.